عید برای شما چه بویی دارد؟

بوی شیرینی، یاد پیک نوروزی

مریم طالشی
گزارش نویس

عید برای شما چه بویی دارد؟ این سؤال تکراری اما دلچسب است. آدم چشم می‌بندد و فکر می‌کند و همزمان تمام بوهای خوش عیدهای زندگی‌اش را به خاطر می‌آورد. گرچه دو عید گذشته را در قرنطینه و مراعات برای پیشگیری از ابتلا به کرونا گذراندیم اما باز هم عید بوی خودش را داشت و آغشته شدنش با بوی مواد ضدعفونی کننده، با اینکه آن عطر همیشگی را اندکی زدوده بود اما عید به هرحال همان عید است و یادآور همان بوهای خوش و نشاط آور.

حالا امسال که دو سال است پاندمی را طاقت آورده‌ایم و کرونا سبک شده و واکسن هم زده‌ایم و شاید بتوانیم ذهنمان را بیشتر روی آن خاطرات خوش هرساله متمرکز کنیم، بگویید عید برای شما چه بویی دارد؟

«عید برای من بوی شیرینی می‌دهد که مادرم هر سال یک هفته مانده به نوروز شروع به پختنش می‌کرد؛ موقعی که خانه تکانی را تمام کرده بود و ما بچه‌ها می‌دانستیم حالا زمان شیرینی پختن است و خیلی هم برای آن ذوق داشتیم.»

محبوبه دختر جوان این را می‌گوید و ادامه می‌دهد: «من و خواهر و برادرم خیلی دوست داشتیم به مادر کمک کنیم. بساط شیرینی‌پزی برای ما بچه‌ها خیلی جذاب بود. خمیر درست کردن و پهن کردن خمیر و شکل دادن به شیرینی‌ها و تزئین آنها با خلال پسته و بادام که این بخش آخر دیگر کار ما بچه‌ها بود. حتی موقعی که شیرینی‌ها را به میهمان‌ها تعارف می‌کردیم می‌گفتیم مثلا آن پسته‌ای‌ها را من درست کرده‌ام و از این کار احساس غرور و مهم بودن به ما دست می‌داد. اما جذاب‌ترین بخش کار همان وقتی بود که شیرینی‌ها برای پختن در فر می‌رفت و ما سه تا بچه می‌نشستیم و چشم می‌دوختیم به خمیرهای کوچک در سینی بزرگ که زیر نور کمرنگ چراغ فر آرام آرام طلایی می‌شدند و به شکل شیرینی واقعی درمی‌آمدند. هنوز بوی خوش آن شیرینی‌های تازه از فر درآمده در دماغم هست. عید همیشه برای من بوی شیرینی‌های مادرم را می‌دهد که دیگر نیست.»

> عید که می‌شود، خصوصاً یکی دو هفته قبل از آن، همه چیز بوی تازگی می‌دهد. در این حال و هوا آدم خودش را هم جوان حس می‌کند حتی اگر مثل من سن و سالی ازش گذشته باشد. انگار نیرویی تازه پیدا می‌کنید و کارهایی می‌کنید که معمولاً انجام نمی‌دهید و حوصله‌اش را ندارید. هرکس هرچقدر هم بی‌حوصله و دلمرده باشد، نمی‌تواند نسبت به عید کاملاً بی‌تفاوت بماند

عید برای محمدحسین که پدر دو کودک ۴ و ۷ ساله است، بوی پیک نوروزی می‌دهد که بعضی سال‌ها صفحه‌هایش کاهی می‌شد و مداد رویش خوب نمی‌نوشت و نمی‌شد طرح‌هایش را خوب رنگ کرد و نقاشی کشید: «نمی‌دانم چرا هنوز هم که یاد آن روزها می‌افتم اضطراب می‌گیرم که باید پیک نوروزی را تا آخر عید کامل کنیم و تحویل دهیم. همیشه هم یک معما یا سؤالی در آن بود که هرچه می‌کردیم، حل نمی‌شد که نمی‌شد و آخرش حسرت کامل شدن پیک را به دلمان می‌گذاشت. بچه‌هایی که با سلیقه‌تر و زرنگ‌تر بودند، پیک‌هایشان با مشمع جلد شده و تمام صفحات خوش خط نوشته و رنگ شده بود. برای بچه تنبل‌ها اما پیک نوروزی یا همان پیک شادی یک کابوس تمام عیار بود، حتی برای بچه‌های متوسط کلاس مثل خودم. امتحان‌های ثلث دوم را داده بودیم و می‌آمدیم یک نفسی بکشیم که پیک نوروزی را می‌گذاشتند جلوی‌مان. کل عید استرس انجام دادن تکالیفش را داشتیم. تا مهمان می‌خواست بیاید یا مهمانی برویم، مادرم می‌گفت شماها پیک‌هایتان را انجام داده‌اید که حاضر شده‌اید؟!

روز سیزده بدر که دیگر حسابی زهرمار می‌شد چون فردایش باید پیک را تحویل می‌دادیم درحالی که بیشتر از نصفش خالی بود. تند و تند می‌نوشتیم و مثلاً انجامش می‌دادیم و این درحالی بود که بیشتر وقت‌ها اصلاً حتی پیک را از ما تحویل نمی‌گرفتند و اگر هم می‌گرفتند به نظرم نمی‌خواندند. من کرمانشاه درس می‌خواندم و یک سال یادم می‌آید که به خاطر بمباران و شرایط جنگ پیک نوروزی به مدرسه ما نرسیده بود. خیلی خوشحال شدیم اما گفتند آماده باشید چون هر وقت پیک رسید خبر می‌دهیم والدین‌تان بیایند تحویل بگیرند. خلاصه که آن سال پیک نرسید اما تا آخر عید با استرس در انتظارش بودیم. نمی‌دانم چه اصراری بود آن وقت‌ها بچه‌ها را آنقدر بچزانند.»

برای خانم مستوفی که نزدیک به ۷۰ سال دارد، عید بوی جوانی می‌دهد: «عید که می‌شود، خصوصاً یکی دو هفته قبل از آن، همه چیز بوی تازگی می‌دهد. در این حال و هوا آدم خودش را هم جوان حس می‌کند حتی اگر مثل من سن و سالی ازش گذشته باشد. انگار نیرویی تازه پیدا می‌کنید و کارهایی می‌کنید که معمولاً انجام نمی‌دهید و حوصله‌اش را ندارید. هرکس هرچقدر هم بی‌حوصله و دلمرده باشد، نمی‌تواند نسبت به عید کاملاً بی‌تفاوت بماند. بعضی‌ها را می‌بینم که می‌گویند ما حوصله خرید عید و هفت‌سین چیدن و این حرف‌ها را نداریم اما یکی دو روز مانده به عید خودشان تحت تأثیر فضا قرار می‌گیرند و حال و هوایشان عوض می‌شود و با بقیه همراه می‌شوند. عید برای من یعنی جوانی و البته که منظورم از جوانی به دل است و حس و حال آدم.»

عید هر سال هر بویی هم که داشته باشد، امسال برای من متفاوت است. این را سمانه زن جوانی می‌گوید که در این دو سال دو نفر از نزدیکانش را به خاطر کرونا از دست داده است: «دایی من و همسرش به فاصله ۱۰ روز از هم به خاطر کرونا فوت کردند و این درحالی بود که بچه‌های‌شان ایران نبودند و نتوانستند برای آخرین بار پدر و مادرشان را ببینند و با آنها خداحافظی کنند و حتی در مراسم خاکسپاری‌شان شرکت داشته باشند. دقیقاً یک ماه از عید گذشته بود که این اتفاق افتاد. من دایی‌ام را به خاطر شرایط کرونایی مدت‌ها بود ندیده بودم. عید امسال برای من بوی فقدان می‌دهد و از طرفی هم بوی قدر دانستن لحظه‌ها و آدم‌ها.

فکر می‌کنم از هر فرصتی باید استفاده کرد و از حال نزدیکان و دوستان باخبر شد چون حداقل در این مدت فهمیدیم که چقدر زندگی کوتاه است و هیچ چیز معلوم نیست. در این دو سال خیلی‌ها چنین حس و حالی داشتند و ممکن است با عادی شدن شرایط دوباره یادمان برود چه روزهایی را پشت سر گذاشتیم اما باید هر از گاهی به خودمان گوشزد کنیم که یادمان نرود. عید جای خالی تمام کسانی که رفته‌اند بیشتر حس می‌شود و آدم را دلتنگ می‌کند.»

عید برای من بوی سبزی خرد شده می‌دهد. این جواب جالبی است برای سؤال بوی عید. مجید که کوچک‌ترین فرزند خانواده است و با خواهر و برادران بزرگ‌ترش فاصله سنی زیادی دارد، عید را با بوی سبزی پلویی خرد شده به خاطر می‌آورد: «ما ۸ تا بچه‌ایم و آخرین بچه قبل از من ۱۲ سال با من اختلاف سنی دارد و خواهر بزرگم دقیقاً جای مادرم است چون پسرش از من بزرگ‌تر است.» این را با خنده می‌گوید و ادامه می‌دهد: «هر سال شب عید تمام خواهر و برادرهایم با بچه‌ها و تازگی‌ها با نوه‌هایشان خانه پدر و مادرم جمع می‌شوند تا به اتفاق سبزی پلو ماهی شب عید را بخوریم، البته منهای این دو سال کرونا. من از وقتی یادم می‌آید مادرم چند کیلو سبزی را که خریده بود، داشت خرد می‌کرد که لای پلو بدهد. بوی سبزی برای من یعنی عید آمده و قرار است کلی خوش بگذرانیم. عید هنوز همان حس و حال کودکی را در من زنده می‌کند که با خواهرزاده‌ها و برادرزاده‌هایم بازی می‌کردم و به من دایی کوچولو می‌گفتند. جالب است هنوز هم وقتی جایی بوی سبزی خرد شده می‌شنوم دقیقاً عید را برایم تداعی می‌کند.»

نمی‌دانم عید برای شما چه بویی دارد اما هرچه باشد حتماً بوی نشاط آور و شادی‌بخشی است که تداعی‌کننده خاطرات خوشی است که هرچند ممکن است دیگر تکرار نشود اما یادآور تمام آن روزهای خوبی است که تجربه کرده‌ایم.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۹۰۴

آسان

۲		۷						۴
				۱	۳			۵
۵	۸	۳		۴	۷	۱		
				۹	۴		۸	۶
		۹	۱		۸	۲		
۸	۴		۲	۶				
۷		۴	۵	۸		۶	۱	۷
۹		۱	۳					
۷						۹		۲

متوسط

۹			۷					
	۱	۴	۳					
		۷		۹	۵	۱	۴	
۴				۶		۷		
۸				۳				۹
		۳		۵				۸
	۲	۹	۵	۷		۶		
					۳	۵	۲	
					۴			۱

سخت

			۲	۹	۴			۵
			۳					۸
							۴	۱
					۱		۲	
							۸	۳
							۷	
				۹			۳	۴
			۸	۶	۳			۲

خیلی سخت

		۷		۳		۹		
				۸	۱		۴	۳
	۲			۵				
								۵
۲		۵		۷		۸		۱
۷								
				۹			۳	
۵	۱		۸	۶				
		۴		۲		۱		

حل جدول سودوکو شماره ۳۹۰۴

آسان

۸	۵	۲	۷	۱	۹	۳	۶	۴
۶	۴	۷	۸	۳	۵	۱	۹	۲
۹	۱	۳	۶	۴	۲	۵	۸	۷
۴	۸	۶	۵	۹	۷	۲	۳	۱
۷	۲	۵	۱	۸	۳	۶	۴	۹
۳	۹	۱	۴	۶	۸	۷	۲	۵
۱	۶	۸	۲	۵	۴	۹	۷	۳
۵	۳	۹	۹	۲	۶	۸	۱	۷
۲	۷	۴	۳	۷	۱	۴	۵	۶

متوسط

۹	۶	۳	۷	۵	۸	۱	۲	۴
۵	۱	۴	۳	۲	۶	۹	۸	۷
۲	۸	۷	۴	۹	۱	۵	۳	۶
۴	۵	۱	۸	۶	۳	۷	۹	۲
۸	۷	۶	۹	۴	۲	۳	۱	۵
۳	۹	۲	۵	۷	۱۰	۶	۴	۸
۷	۴	۹	۶	۸	۵	۲	۱۰	۳
۱۰	۲	۵	۱۰	۳	۴	۸	۶	۹
۶	۳	۸	۲	۱۰	۹	۴	۷	۱

سخت

۵	۱	۷	۳	۸	۶	۹	۴	۲
۸	۶	۹	۴	۲	۵	۷	۳	۱
۱۰	۳	۴	۷	۹	۱	۶	۸	۵
۷	۵	۱	۶	۴	۸	۳	۲	۹
۹	۸	۶	۲	۳	۷	۱	۵	۴
۴	۲	۳	۵	۱	۹	۸	۶	۷
۳	۹	۵	۸	۶	۴	۲	۷	۱۰
۶	۴	۸	۱۰	۷	۳	۵	۹	۱
۲	۷	۱	۹	۵	۲	۴	۱۰	۸

خیلی سخت

۴	۸	۷	۱	۵	۳	۹	۶	۲
۱	۶	۳	۲	۸	۹	۴	۷	۵
۹	۲	۵	۶	۷	۴	۸	۱	۳
۷	۴	۱	۸	۳	۵	۶	۲	۹
۳	۹	۸	۷	۶	۲	۱	۵	۴
۶	۵	۲	۹	۴	۱	۳	۸	۷
۸	۳	۴	۵	۹	۶	۷	۱۰	۱
۵	۱	۹	۴	۱	۸	۲	۳	۶
۲	۷	۶	۳	۱۰	۷	۵	۴	۸

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۸۷۳

جدول عادی

افقی:

۱- تاکسی قدیم - بیعانه و مساعده
۲- کشور «پاپ» - بدن انسان - جاسوس خانه امریکا
۳- میوه خوب! - برنامه رایت دی‌وی‌دی - دوبیتی - ابریشم کم بها
۴- کمانه - جواب مثبت خودمانی - اشاره تأکیدی نزدیک
۵- امتحان - داور ایرانی بازنشسته - بهره هوشی
۶- از الفبای فارسی - اندوه، دلتنگی - واحد پول «بنگلادش»
۷- پایتخت «فرانسه» - فریادرس و واسطه - سوزان
۸- نشان مفعول - بازیگر خانم سریال طنز در حال پخش «خودخواسته» - هالوژن نمک
۹- سهولت - رختشوی - تیره
۱۰- زیب و زینت - فراهم کردن - حسد
۱۱- سیاه دانه - گزارش - حکم
۱۲- استواری و پایداری - خطا، اشتباه - کشور شکار
۱۳- صدای تمسخر - اورژانس - کمیت - امپراتور روم
۱۴- رایگان - جاده آهنی! - خیابان لوستر تهران
۱۵- شیرینی تر - آهن و فولاد مرغوب

عمودی:

۱- یک بار دیگر - پدیده سریع و ناگهانی جریان یافتن برف سطح شیب دار به سوی پایین
۲- دالان - گلخانه - پایبندی به پیمان
۳- پراکندگی - کرنیست - جلا و صفا - ماهی کنسروی
۴- از رذایل اخلاقی - دارایی و ثروت شخص مرده - مهربان
۵- نفوذگر رایانه‌ای - رگ لاغر - آواره
۶- ساختمان فروریخته - گردشگر و توریست - گلی خوشبو
۷- قلم انگلیسی - مطیع - اذیت و آسیب - آزاد
۸- خاطر جمع است
۹- صحرانورد کوهان‌دار - نوعی نارنگی - از حبوبات - شلوار جین
۱۰- پشتیبان، امان - سیاهه - خواب خوش
۱۱- هادی - ساختمان - گاز استخر!
۱۲- گروه ویژه - مخفف یورش - سبزی سالادی
۱۳- پایه - پیوند زناشویی - رقم اول از سمت راست عدد - وتر کمان
۱۴- کیسه چرمی - دانه دانه - محل اسبدوانی
۱۵- مبتدی و بی تجربه - همگانی یا جهانی

جدول ویژه

افقی:

۱- پیوندها و پیوستگی‌ها - مطالعه ساختار و معنای حالت‌های مختلف یک کلمه
۲- در این روش از گیاهان طبی، ماساژ و یوگا برای درمان بیماران استفاده می‌شود - شش - چاپار
۳- سرای مهرو کین - ناراحت - بی باکی - ضمیر اجتماعی
۴- بیهوده - گردش کودک - تیرپیکاندار
۵- بلادرنگ - محل نمایش فیلم - انجمن‌ها
۶- گداختن سیم جهت امتحان - کارزار - فریادی از فرط شادی
۷- نمازی که به تنهایی خوانده شود - جنگجو - شهر «امامزاده اظهر» در همدان
۸- لؤلؤ - گیاهی از رده سرخس‌ها - نفس دردمند
۹- اسم مصدر از وزیدن - کانون توجه - عید حاجیان
۱۰- گوش کن ادبی - گندمگون - بزرگ شدن
۱۱- مشورت - گیاه خورشتی - شبانگاه
۱۲- خرمافروش - نصف - گرامی
۱۳- حرف روسی - مرکز «تبت» - یله - پایه
۱۴- رگ گردن - تظاهر به نیکی - سبکی در کاراته
۱۵- اثر «میشل فوکو» - جامه زمستانی

عمودی:

۱- عصب شعاعی - بهترین رمان اسپانیایی
۲- آواره - وزیر شطرنج - انجام وظیفه
۳- آب در لغت محلی - بیسکوئیت سبک و ترد - فرو شکوه - زدنی در بازی!
۴- بجا، مناسب - نرم افزار پرداخت موبایلی - دربرگیرنده
۵- شهر فردوسی - علائم و نشانه‌های بیماری - پسر تیمور
۶- کمدین آلمانی - یک رده‌بندی برای بازی‌های رایانه‌ای - متداول
۷- حرف مفعولی - قله زاگرس - همه و همگی - پسوند شباهت
۸- دو فیلم با هنرنمایی لعیا زنگنه
۹- کنایه از چاق - آرمان - آخرین حرف قافیه - خرده سنگ
۱۰- دیگ دهان گشاد - شهری در «سوریه» - سرمربی «ویارئال»
۱۱- اسم پسرانه فارسی - کمک کننده - پرده دریدن
۱۲- اعتنا - شکافتن قبر - پناهگاه
۱۳- نرم‌افزاری کاربردی - مارکی برساعت مچی - شکل آدمی که نقش کنند - گفتاواز
۱۴- رشته فلزی رسانا - مرتعش - سرودن و سرایندگی
۱۵- اثر «ویلیام فالکنر» - نوعی از پرتقال

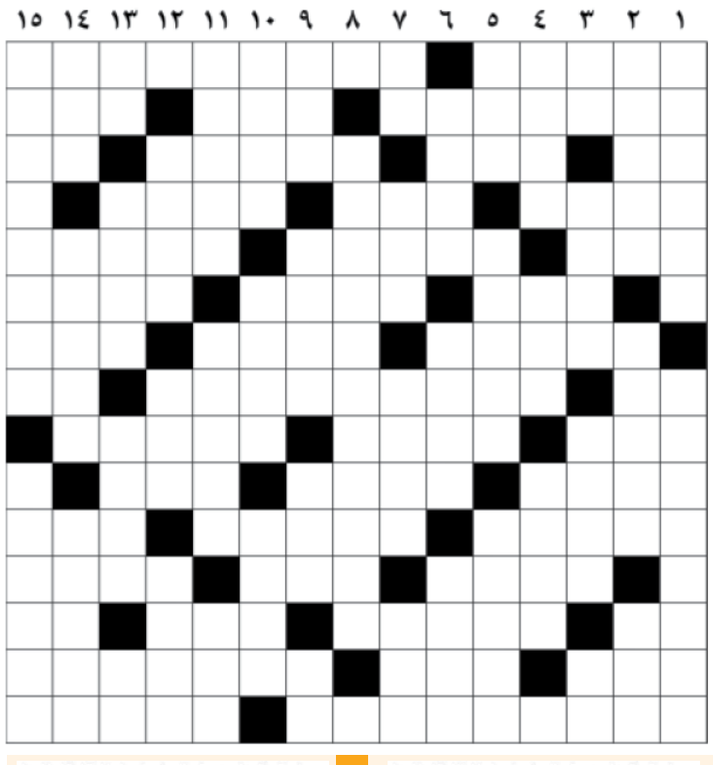

حل جدول عادی شماره ۷۸۷۲

حل جدول ویژه شماره ۷۸۷۲